

شیعه و اهل بیت پیامبر ﷺ*

دکتر علی اکبر بابایی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

محبت و احترام به اهل بیت پیامبر ﷺ و بسیاری از فضایل آنان، مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است، ولی در معنا و مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ اختلاف است. بیشتر اهل تسنن مطلق خویشان و همسران پیامبر ﷺ را اهل بیت آن حضرت می‌دانند، ولی شیعه معتقد است: منظور از اهل بیت پیامبر ﷺ در برخی آیات و بسیاری از روایات، سیزده نفر از خویشان برجسته آن حضرت است و شامل همسران و سایر خویشان آن حضرت نمی‌شود. در این مقاله با تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه، امکان ادبی این معنا برای کلمه اهل بیت تبیین و دیدگاه شیعه با استناد به روایات اثبات می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شیعه، اهل بیت، حدیث کسا، پیامبر ﷺ.

مقدمه

در اینکه آیات (احزاب: ۳۳ / شوری: ۲۳ / آل عمران: ۶۱) و روایات فراوانی (برای نمونه رک به: صفار، ۱۴۱۴، ص ۴۱۲-۴۱۳ / حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۳۳ / نیشابوری، ۱۴۰۷، ج ۵ ص ۲۶) در فضیلت اهل بیت پیامبر ﷺ وجود دارد و بر لزوم محبت و احترام به آنان دلالت دارد. بین شیعه و اهل تسنن اختلافی نیست؛ ولی در دو جهت اختلاف است: یکی در معنا و مفاد آن آیات و روایات است که شیعه، فضایل و کمالات بیشتری مانند عصمت، علم فوق العاده و منصب امامت را برای اهل بیت از آنها فهمیده و اهل تسنن آن را نپذیرفته‌اند؛ و اختلاف دیگر در معنا و مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ است که در آیات و روایات با عنوان «اهل البیت» و «اهل بیته» از آنان یاد شده است. گروهی از اهل تسنن به استناد معنای لغوی اهل بیت و برخی کاربردهای قرآنی آن، همسران و همه خویشان آن حضرت را اهل بیت آن حضرت می‌دانند (جرجانی، ۱۳۳۵، ج ۸، ص ۳۵۵ / ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۳ / هیثمی، ۱۳۸۵، ق، ص ۱۴۴ / میدی، ۱۳۷۱، ش، ج ۸، ص ۴۶)؛ ولی شیعه با اینکه کاربرد اهل بیت به معنای لغوی را در مورد همسران و مطلق خویشان انکار نمی‌کند، به استناد روایات معتقد است: از کلمه «اهل البیت» در آیه «تطهیر» خصوص پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) و یا آن پنج نفر به علاوه نه امام معصوم از نسل امام حسین (علیهم السلام) و از «اهل بیته» در بسیاری از روایات پیامبر ﷺ مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه و... خصوص دوازده یا سیزده نفر از خویشان آن حضرت - که از جهت علمی و عملی و صفات و کمالات انسانی برتری داشته‌اند و نزدیک‌ترین افراد به پیامبر اکرم ﷺ بوده‌اند - مراد است و شامل همسران و مطلق خویشان آن حضرت نمی‌شود (طبرسی نوری، [بی تا]، ج ۲، صص ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸ و ۳۵۳ / طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۵۶۰-۵۵۹ / مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۳۵، ص ۲۲۵).

این مقاله در مورد اختلاف دوم بحث می‌کند و در صدد است معنای اهل بیت و

منظور از آن در آیه تطهیر و بسیاری از روایات پیامبر ﷺ را روشن و دیدگاه حق را در مورد این موضوع تبیین کند؛ برای این منظور در سه محور بحث می‌شود: ۱. تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه؛ ۲. روایات معرف اهل بیت؛ ۳. اثبات معنای اصطلاحی اهل بیت. از طریق تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه امکان اصطلاح شدن واژه «اهل بیت» در معنایی خاص که مصادیق آن به افراد ویژه‌ای از خویشان پیامبر ﷺ منحصر باشد، تبیین می‌شود و از طریق روایات، افراد و مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ معرفی می‌شوند؛ همچنین در محور سوم با استناد به نکاتی از روایات اثبات می‌شود که از اهل بیت در برخی آیات و بسیاری از روایات، معنایی اصطلاحی اراده شده است.

درباره اهل بیت و معنا و مصادیق و صفات و ویژگی آنها ضمن کتاب‌ها یا در کتاب‌ها و مقالات مستقل فراوان بحث کرده‌اند. برخی روایات شیعه و سنی، پیرامون نزول آیه تطهیر در شأن اهل البیت در دو باب جداگانه آمده است (بحرانی، ۱۴۲۲، ق، ج ۳، ص ۱۷۳-۲۱۱)؛ برخی نیز به جمع‌آوری روایات در معنای اهل البیت و نقل آنها در دسته‌های مختلف اکتفا کرده‌اند (رک به: ری شهری، ۱۳۷۹، ش، ص ۲۷-۹۰)؛ همچنین برخی به آرای مختلف در معنای اهل بیت اشاره کرده‌اند و بعضی را رد کرده‌اند و بعضی را پذیرفته‌اند (بیومی مهران، ۱۹۹۵، م، ص ۱۲-۲۴). برخی با استناد به آیات و روایات، اهل بیت الرسول را معرفی کرده‌اند و به اشکالات ابن تیمیه پاسخ داده‌اند (صائب، ۱۴۱۷، ق، ص ۲۸۷-۳۱۶)؛ برخی نیز با عنوان «اهل البیت فی الکتاب المقدس» به نقل بشارت‌های عهد قدیم و جدید (تورات و انجیل) درباره اهل بیت پرداخته‌اند (واسطی، ۱۹۹۷، م، ص ۱۰۵-۱۳۷)؛ برخی هم با اشاره به اقوال پیرامون مصادیق اهل البیت در آیه تطهیر با استناد به روایات، مصادیق آن را بیان و بر نفی شمول آن نسبت به همسران پیامبر ﷺ تأکید کرده‌اند و به بعضی از تشکیکات و شبهات پاسخ داده‌اند (عاملی، ۱۴۲۳، ق، ص ۲۱-۲۳۲) و... مقالاتی نیز با عناوین مختلف مانند «آیه تطهیر و عصمت

اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، «اهل‌بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در قرآن و سنت» منتشر شده است (رک‌به: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ ش، ۸۶ ص ۹۵، ۸۷ ص ۱۲-۱۴، ۸۸-۸۹ ص ۳۹-۴۱، ۹۰ ص ۱۳-۹، ۹۱ ص ۱۰-۱۳، ۹۲ ص ۲۳-۲۷ / قلی‌پور، ۱۳۸۵ ش، ۲۳-۳۳) و حتی برخی با عنوان «مفهوم‌شناسی» و مصداق‌یابی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مقاله‌ای در خصوص معنا و مصادیق اهل‌بیت نوشته‌اند (زیلی، ۱۳۸۴ ش، ۱۹۶-۲۱۴)؛ ولی این مقاله در معنا و مصادیق اهل‌بیت از زاویه دیگر بحث می‌کند و مطالب و نکات جدیدی را در بر دارد؛ بنابراین تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه در بیان امکان معنای اصطلاحی داشتن اهل‌بیت و دو کاربرد لغوی و اصطلاحی داشتن اهل‌بیت در مورد پیامبر، معنا شدن اهل‌البیت و اهل‌بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به شایستگی بیت نبوت و ممکن نبودن شناخت آنان جز با معرفی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، جمع عرفی بین دسته‌های مختلف روایات معرف اهل‌بیت، بیان دلالت آنها بر حصر اهل‌بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سیزده نفر و بیان اینکه اختصاص اهل‌بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به آن سیزده نفر از باب تخصص است نه تخصیص، از نکات ویژه این مقاله است.

۱. تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه

همان‌گونه که در علم اصول تحقیق شده و مورد اتفاق دانشمندان شیعه و اهل تسنن است، در زبان عربی نیز مانند سایر زبان‌ها دلالت الفاظ بر معانی، ذاتی نیست، بلکه وضعی و قراردادی است؛ یعنی دلالت هر لفظی بر معنایش از قبیل دلالت دود بر وجود آتش نیست؛ بلکه از وضع و علامت قرار دادن لفظ برای معنا نشأت می‌گیرد. وضع (قرار دادن لفظ برای دلالت بر معنا) نیز به دو گونه محقق می‌شود:

۱. تعیینی: و آن به این صورت است که شخصی لفظی را برای دلالت بر معنایی خاص تعیین می‌کند؛ نظیر اینکه افراد برای فرزندان خود یا مخترعان برای مصنوع خود و مؤلفان برای تألیف خود نامی تعیین می‌کنند؛

۲. تعیینی: و آن به این صورت است که لفظی در اثر کثرت استعمال در معنای برای دلالت بر آن معنا تعیین پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که هرگاه آن لفظ بدون هیچ قرینه‌ای ذکر شود، آن معنی از آن فهمیده شود (رک: فخر رازی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۲۹۵-۳۱۹ / آمدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۳ / آخوند خراسانی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۲-۲۱ / خویی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، صص ۲۲، ۴۹، ۱۲۵ و ۱۳۴).

از این رو در زبان عربی هر لفظی ممکن است در لغت یا عرف عام عرب، معنایی داشته باشد و در قرآن کریم و کلام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و متون شریعت در معنای دیگری اصطلاح شده باشد و معنای جدیدی پیدا کرده باشد؛ همان‌گونه که این مطلب در مورد الفاظ صلوة، حج و زکوة تحقق یافته است: صلوة در لغت و عرف عام عرب به معنای دعا است و در اصطلاح شریعت به معنای نماز است. حج در لغت به معنای قصد است و در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و متون شریعت به معنای عبادتی مخصوص در زمانی معین با آداب و شرایطی خاص است؛ همچنین زکوة در لغت به معنای طهارت و نمو است و در اصطلاح مقدار معینی از مال است که اتفاق آن در اسلام واجب یا مستحب است (رک. به: علامه حلی، [بسی‌تا]، ج ۱، ص ۱۹۳ و ج ۲، ص ۶۴۲ / ابن قدامة، [بسی‌تا]، ج ۳، ص ۱۵۹ / سرخسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۲ / سبزواری، [بسی‌تا]، صص ۴۱۸، ۴۴۶)؛ بنابراین از نظر ادبی و لغت‌شناسی کاملاً امکان دارد که کلمه «اهل‌بیت» یا «اهل‌البیت» در لغت و عرف عام عرب، معنایی داشته باشد و در قرآن کریم و روایات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با وضع تعیینی و تعیینی در معنای دیگری اصطلاح شده باشد و معنای حقیقی دیگری پیدا کرده باشد.

توضیح آن، این است که واژه «اهل» در لغت به شایسته، سزاوار (صفی‌پور، [بسی‌تا]، ج ۱، ص ۴۶) و مستوجب (ابن سیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶) معنی شده و در عرف نیز در

به همسران و دختران و داماد او، علی علیه السلام معنی کرده‌اند (ابن سیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶ / ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۳)، طبق این کاربرد است؛ و گاهی اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله با لحاظ ویژگی محل نزول وحی و خانه نبوت بودن بیت آن حضرت به کار رود و در این صورت به معنای ساکنان خانه، خانواده یا مطلق خویشاوندان آن حضرت نباشد، بلکه به معنای کسانی باشد که شایسته بیت آن حضرت با وصف اینکه محل نزول وحی و خانه نبوت است، باشند؛ و این، معنای اصطلاحی جدیدی برای کلمه اهل‌بیت در کاربردهای قرآن کریم و بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

با توجه به بیانی که گذشت، چنین معنایی برای کلمه «اهل‌بیت» از نظر ادبی و لغت‌شناسی ممکن و بلامانع است؛ به‌خصوص که در زبان عربی واژه‌هایی که دارای معنای لغوی و اصطلاحی شرعی باشند، کم نیست؛ بنابراین در آیات و روایاتی که این کلمه به کار رفته است، باید تأمل و دقت شود که آیا معنای لغوی و عرفی از آن اراده شده است یا معنای اصطلاحی.

۲. روایات معرف اهل‌بیت علیهم السلام

روایاتی که اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را معرفی کرده‌اند، بسیار فراوان‌اند و در یک مقاله، مجال ذکر همه آن روایات و حتی مجال ذکر نمونه‌هایی از همه اقسام و دسته‌های آن نیست؛ از این رو به عناوین برخی از مهم‌ترین دسته‌های آن روایات اشاره و به ذکر نمونه‌ای از هر دسته اکتفا می‌شود. روایات هم در کتاب‌های شیعه فراوان است و هم در کتاب‌های اهل تسنن، ولی چون طرف بحث در این مقاله اهل تسنن است، بیشتر روایات را از کتاب‌های اهل تسنن می‌آورم.

همین معنی ظهور دارد؛ لذا در دعای «اللهم ان لم اکن اهلاً ان ابلغ رحمتک فرحمتک اهل ان تبلغنی و تسعنی» و حدیث «الهی ما عبدتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک بل وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۴) از کلمه «اهل» همین معنی به ذهن متبادر می‌شود؛ ولی وقتی به شیء یا شخصی اضافه شود - که غالباً نیز چنین است - به مناسبت مضاف الیه معنای دیگری از آن فهمیده می‌شود؛ چه اینکه کلمه «اهل‌البیت» را جمعی از لغت‌دانان به ساکنان خانه معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹ / فیروزآبادی، [بی تا]، ج ۳، ص ۴۸۶ / ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۳ / ابن سیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶). فیومی پس از معنی کردن «الاهل» به «اهل‌بیت» گفته است: اصل در آن خویشی است (فیومی، ۱۹۲۸، م، ص ۳۳). راغب نیز از کاربرد مجازی «اهل‌بیت» شخص، در مورد کسانی که با او پیوند نسبی دارند، سخن گفته است (راغب، ۱۳۷۶، ش، ص ۲۵)؛ بنابراین می‌توان گفت در لغت «اهل‌بیت» هر شخصی، ساکنان خانه او، یعنی زن و فرزندان اویند و به معنای خویشاوندان او نیز به کار می‌رود. در عرف نیز اهل‌بیت شخص، به معنای خانواده او - که همان زن و فرزندان اوست - می‌باشد و گاهی به معنای خاندان و خویشاوندان او نیز به کار می‌رود.

اما در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله، چون بیت آن حضرت، محل نزول وحی و بیت نبوت نیز بوده است، کلمه اهل‌بیت می‌تواند دو کاربرد داشته باشد: گاهی اهل‌بیت پیامبر گفته شود و از بیت، محل سکونت آن حضرت اراده شود و ویژگی محل نزول وحی و خانه نبوت بودن آن لحاظ نشود؛ در این صورت، کلمه اهل‌بیت در مورد آن حضرت نیز به همان معنایی است که در مورد دیگران به کار می‌رود؛ یعنی به معنای خانواده (همسران و فرزندان) آن حضرت یا به معنای مطلق، خویشاوندان آن حضرت است. اینکه بعضی لغت‌دانان اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را

۲-۱. معرفی اهل بیت در وقت نزول آیه تطهیر

یک دسته از این روایات، روایاتی هستند که می‌گویند پیامبر ﷺ در وقت نزول آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) کسانی (پوششی) بر روی علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ افکندند و گفتند: خدایا اینها اهل بیت من هستند...! برای نمونه ابن کثیر با سند خویش از ام سلمه روایت کرده است که گفت:

جاء رسول الله ﷺ الى بيتي فقال «لا تأذني لاحد» فجاءت فاطمة - رضی الله عنها - فلم استطع ان احجبها عن ايها ثم جاء الحسن ﷺ فلم استطع ان امنعه ان يدخل على جدّه و امه و جاء الحسين فلم استطع ان احجبه عن جدّه و امه رضی الله عنها ثم جاء علي ﷺ فلم استطع ان احجبه فاجتمعوا فجللهم رسول الله ﷺ بكساء كان عليه ثم قال هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. فنزلت هذه الآية حين اجتمعوا على البساط فقلت يا رسول الله وانا؟ قالت فوالله ما انعم. قال انك الى خير (ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۹۳): رسول خدا به خانه من آمد و فرمود: به هیچ کس اجازه نده [وارد خانه شود]. فاطمه ﷺ آمد، نتوانستم او را از [وارد شدن بر] پدرش منع کنم، سپس حسن ﷺ آمد، او را هم نتوانستم از [ورود بر] جد و مادرش منع کنم، حسین آمد، او را هم نتوانستم از [ورود بر] جد و مادرش منع شوم، سپس علی ﷺ آمد، او را هم نتوانستم منع کنم؛ پس [آنان] اجتماع کردند و رسول خدا ﷺ کسانی را که بر [دوش] وی بود، بر آنان پوشاند و گفت: [خدایا] اینها اهل بیت من هستند؛ پلیدی را از آنان دور گردان و آنان را پاکیزه قرار ده؛ پاکیزه قرار دادنی [کامل]. پس این آیه، در هنگامی که بر آن بساط اجتماع کرده بودند، نازل شد. گفتیم ای رسول خدا و من [نیز جزء اهل بیت هستم]؟ به خدا سوگند نفرمود: آری، فرمود: البته تو به سوی خوبی هستی.

در روایتی که سیوطی آن را از چندین نفر از دانشمندان صاحب تألیف اهل تسنن مانند ترمذی، ابن جریر، ابن المنذر، حاکم، ابن مردویه و بیهقی نقل کرده است - و گفته است ترمذی و حاکم آن را صحیح دانسته‌اند - از ام سلمه چنین روایت شده است: فی بیتی نزلت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» و فی البیت فاطمة، و علی و الحسن و الحسين. فجللهم رسول الله ﷺ بكساء كان عليه، ثم قال «هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۳۷۷): در خانه من «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» نازل شد و فاطمه، علی، حسن و حسین ﷺ در خانه بودند، پس رسول خدا ﷺ آنان را با کسایی که بر رویش بود، پوشاند؛ سپس گفت: [خدایا] اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنان دور گردان و آنان را پاکیزه قرار ده.

از این دسته از روایات، با توجه به چند نکته، روشن می‌شود که از «اهل البیت» در آیه «تطهیر» معنایی اراده شده است که مصادیق آن در وقت نزول آیه، افزون بر خود آن حضرت، فقط آن چهار نفری بوده است که پیامبر ﷺ بیان فرموده است:

۱. پیامبر ﷺ در مقام بیان مصادیق اهل البیت بوده است و اگر مصادیق دیگری برای اهل البیت در آیه می‌بود، آنها را نیز ذکر می‌فرمود؛ ضمن اینکه دلالت این نکته بر اختصاص، با توجه به برخی روایات که می‌گویند پیامبر ﷺ در وقت نزول آیه، تنها آن چهار نفر را فراخوانده است، روشن‌تر می‌شود.

۲. انداختن کسا و پوشش بر روی آن چهار نفر در وقت گفتن «هؤلاء اهل بیتی» ظاهراً برای این بوده است که مشارالیه هؤلاء به آن چهار نفر محدود شود و وجه دیگری برای آن به نظر نمی‌رسد و این قرینه دیگری است بر اینکه اهل بیت پیامبر ﷺ در زمان نزول، تنها و اختصاصاً آن چهار نفر بوده است؛ البته آیه تطهیر

را [نیز] وارد کرد؛ سپس گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...».

جالب اینکه سند روایت فوق نیز در نزد اهل تسنن صحیح است (ر.ک. به: ابن راهویه، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، پاورقی ص ۶۷۸ رقم ۷۲۸).

در روایتی از *وائله بن اسقع* چنین نقل شده است:

یک روز در خانه ام سلمه به نزد رسول خدا رفته بودم، حسن آمد. او را بر ران راست خود نشانند و بوسید، حسین آمد. او را نیز بر ران چپ خود نشانند و بوسید؛ سپس فاطمه آمد. او را در پیش روی خود نشانند؛ سپس علی را دعوت کرد و [او نیز] آمد، سپس کسائی خبیبری بر روی آنان افکند و گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (ابن حنبل، [بی تا]، ۱۸۳).

حاکم نیشابوری در حدیثی که آن را طبق شرط مسلم، صحیح دانسته، از *وائله* چنین روایت کرده است:

... فدعا رسول الله ﷺ حسناً و حسیناً فاجلس کل واحد منهما علی فخذة و ادنی فاطمة من حجره و زوجها ثم لف علیهم ثوبه و انا شاهد فقال «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» اللهم هؤلاء اهل بیتی (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۲۶): رسول خدا ﷺ حسن و حسین را فراخواند و هر یک از آنها را بر ران خود نشانند و فاطمه و شوهرش [علی] را [نیز به خود] نزدیک کرد، سپس جامه‌اش را بر آنان پیچاند و من شاهد [این قضیه] بودم؛ سپس گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» [یعنی این آیه را تلاوت کرد و گفت] خدایا اینها اهل بیت من هستند.

شامل پیامبر ﷺ هم می‌شود؛ ولی این روایات، معرف اهل بیت پیامبر ﷺ و مصادیق آیه، افزون بر خود آن حضرت است.

۳. از اینکه ام سلمه پس از دیدن قضیه از پیامبر ﷺ می‌پرسد آیا من هم از اهل بیت شما هستم؟ معلوم می‌شود ام سلمه هم از سخن پیامبر اختصاص را فهمیده است و چون خود را طبق مفهوم عرفی از اهل البیت می‌دانسته است، چنین سؤالی برایش پیش آمده است؛ و از پاسخ منفی پیامبر ﷺ معلوم می‌شود که اهل البیت در این آیه، به معنای عرفی نیست و شامل همسران آن حضرت نمی‌شود.

۲-۲. جمع کردن افراد در زیر عبا و قرائت آیه تطهیر

دسته دیگری از آن روایات، بر این مطلب دلالت دارند که پیامبر اکرم ﷺ بعد از نزول آیه تطهیر، در موارد بسیاری، علی، فاطمه، حسن و حسین (رضی الله عنهم) را در کنار خود جمع می‌کرد و عبا یا لباس دیگر خود را بر روی آنان می‌افکند و آیه تطهیر را قرائت می‌کرد؛ برای نمونه مسلم و برخی دیگر از عایشه روایت کرده‌اند که گفت:

خرج النبي ﷺ غداة و علیه مرط مرحل من شعر اسود فجاء الحسن بن علی فادخله ثم جاء الحسين فادخله معه ثم جاءت فاطمة فادخلها ثم جاء علی فادخله ثم قال «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (نیشابوری، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۱۳۰ / بیهقی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۴۹ / ابن راهویه، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۶۷۸ / ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۵۰۱): پیامبر ﷺ در یک بامدادی [از خانه] بیرون آمد، در حالی که جامه‌ای [یافت شده] از کرک سیاه بر روی [شانه‌های] او بود؛ پس حسن بن علی آمد. او را [در زیر آن جامه] وارد کرد؛ سپس حسین آمد، او را [نیز] با وی [در زیر جامه] وارد کرد؛ سپس فاطمه آمد، او را [نیز] وارد کرد و پس از آن علی آمد، او

علی و فاطمه ستة أشهر فيقول «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (همان): رسول خدا را دیدم که شش ماه به در خانه علی و فاطمه می‌آمد و می‌گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...».

همچنین به نقل از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: چهل صبح پیامبر ﷺ به در خانه فاطمه می‌آمد و می‌گفت: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» الصلاة رحمكم الله «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» انا حرب لمن حاربتهم، انا سلم لمن سالمتم (همان).

این دسته از روایات بسیار فراوان، ولی عبارتهای آنها مختلف است. مدت این کار در برخی روایات نه ماه و در برخی شش ماه، چهل روز، یک ماه، هفت ماه، هشت ماه، ده ماه و در برخی هفده ماه بیان شده است (ر.ک: ترمذی، [بی تا]، ج ۵، ص ۳۲۸، ج ۳۲۰۶ / حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۵۸ / ابن حنبل، [بی تا]، ج ۳، صص ۲۵۹ و ۲۸۵ / عبدبن حُمَید، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷۳، ص ۳۶۸ / بلاذری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، صص ۲۵۳-۲۵۴ / طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، صص ۲۹۶-۲۹۷ ح ۲۸۴۸۹، ۲۸۴۹۱ و ۲۸۴۹۲ / ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۹۲ / سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۵۶۰ و ج ۵، ص ۳۷۸ / حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، صص ۴۴، ۴۶، ۴۷ و ۷۸ / طیالسی، ۱۳۳۱ ق، ۲۷۴ / طبرانی، [بی تا]، ج ۳، صص ۵۷ و ۹۳ و ج ۲۲، صص ۲۰۰ و ۴۰۲).

در برخی روایات آمده است: پیامبر ﷺ به اهل خانه با عنوان «اهل البیت» سلام می‌داده‌اند و در برخی فقط وقت نماز صبح ذکر شده است؛ ولی مفاد مشترک همه آنها این است که: پیامبر ﷺ مدتی طولانی در کنار خانه علی و فاطمه ﷺ این آیه را تلاوت می‌کرده‌اند.

از سوی دیگر، مختلف ذکر شدن مدت این کار در روایات، به این دلیل است که هر صحابی مدتی را که خود دیده است، بیان کرده و ذکر دو مدت مختلف از یک صحابی در دو حدیث نیز چه بسا به این دلیل بوده باشد که آن صحابی در وقت بیان حدیث اول، مدت کمتری را دیده بوده و در وقت نقل حدیث دوم - که مدتی پس از بیان

حاکم از ابن عباس نیز ضمن روایتی که آن را طبق شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته است و ذهبی رجال شناس اهل تسنن نیز به صحت آن تصریح کرده است، چنین نقل کرده است:

أخذ رسول الله ﷺ ثوبه فوضعه على علي و فاطمة و الحسن و الحسين فقال: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (همان، ج ۳، ص ۱۳۳): رسول خدا ﷺ جامه اش را برگرفت و آن را بر علی و فاطمه و حسن و حسین نهاد و گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» [یعنی این آیه را تلاوت کرد].

این روایات، گویای آن است که پیامبر اکرم ﷺ جمع کردن آن چهار نفر در زیر لباس خود و قرائت آیه تطهیر را تکرار می‌کردند و تکرار، ظاهراً برای این بوده است که اختصاص آیه تطهیر به خود و آن افراد آشکار شود و کلمه «اهل البیت» در خود و آنان ظهور عرفی پیدا کند.

۲-۳. خطاب به اهل خانه حضرت علی ﷺ با عنوان اهل البیت و قرائت آیه

تطهیر

دسته دیگر، روایاتی است که خبر می‌دهند: مدتی طولانی پیامبر اکرم ﷺ در وقت رفتن به مسجد برای نماز از خانه حضرت علی و فاطمه ﷺ عبور می‌کردند و اهل خانه را با عنوان «اهل البیت» مخاطب قرار می‌دادند و آیه تطهیر را قرائت می‌کردند؛ برای نمونه: از ابن عباس روایت شده است که گفت: «مدت نه ماه رسول خدا را مشاهده کردیم که هر روز هنگام وقت هر نماز به در خانه علی بن ابی طالب ﷺ می‌آمد و می‌گفت: السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۳۷۸).

از ابوالحمرء نیز با این عبارت روایت شده است که: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَأْتِي بَابَ

پذیرفته - آورده است (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۵۰)؛ ضمن اینکه در بسیاری از کتاب‌های دیگر اهل تسنن نیز آمده است (رک به: ترمذی، [بی تا]، ج ۵، ص ۵۹۶ / نووی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۴۷ / نسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۰۸ / بیهقی، [بی تا]، ج ۷، ص ۶۳ و...)؛ افزون بر آن، احمد محمد شاکر محقق مسند احمد بن حنبل نیز صحت سند آن را تصریح کرده است (رک به: ابن حنبل، [بی تا]، ج ۳، ص ۹۷).

از نظر دلالت نیز تردید و اختلافی نیست که منظور از اهل پیامبر ﷺ در این روایات، همان اهل البیت آن حضرت است و به قرینه اینکه پیامبر ﷺ در مقام معرفی اهل و اهل بیت خود فقط همین چهار نفر را اهل خود معرفی می‌کند و شخص دیگری را نام نمی‌برد، معلوم می‌شود از کلمه «اهل» معنای لغوی آن را - که شامل زوجه نیز می‌شود - قصد نکرده است، بلکه معنایی را قصد کرده که افراد آن، در آن زمان، خصوص آن چهار نفر بوده است.

۲-۵. روایات نزول آیه تطهیر درباره پنج نفر

دسته دیگر، روایاتی است که با صراحت از نزول آیه تطهیر (انما یرید الله...) درباره پنج نفر (پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین) خبر می‌دهند؛ برای نمونه طبری با سند خویش از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که: «نزلت هذه الآية في خمسة: في و في علي و حسن و حسين و فاطمة» (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً) (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۹۶، حدیث ۲۸۴۸۷)؛ این آیه درباره پنج نفر نازل شده است؛ درباره من، علی، حسن، حسین و فاطمه.

این ابی حاتم رازی نیز این روایت را در تفسیر خود آورده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۶۹۲). این روایات دلالت صریح دارند که «اهل البیت» در آیه تطهیر، شامل رسول خدا ﷺ نیز می‌شود و به قرینه این روایات معلوم می‌شود که در روایات

حدیث اول بوده است - طبیعتاً مدت بیشتری را دیده بوده است؛ ضمن آنکه ذکر سلام در برخی و ذکر نشدن آن در برخی دیگر و همچنین ترغیب به نماز در برخی و نبودن آن در برخی دیگر نیز می‌تواند منشأش این باشد که برخی از صحابه یا راویان، همه جزئیات قضیه را بیان و برخی به ذکر اصل کار اکتفا کرده باشند و در نتیجه، بین روایات تعارض و منافاتی نباشد. در هر صورت، اصل این مسئله که پیامبر ﷺ در مورد اهل خانه علی و فاطمه ﷺ عنوان «اهل البیت» را به کار می‌برده و آیه تطهیر را قرائت می‌کرده است، مورد اتفاق روایات است و ظاهراً این کار را پیامبر ﷺ انجام می‌داده است تا مسلمانان بفهمند از اهل البیت در این آیه، افزون بر خود آن حضرت، اهل خانه فاطمه ﷺ نیز اراده شده است نه افراد دیگر؛ و تکرار آن در مدت طولانی چه بسا برای این بوده است که این کلمه در این معنا ظهور عرفی پیدا کند و با وضع تعینی، معنای اصطلاحی جدیدی برای این کلمه حاصل شود که مصادیق آن در عصر پیامبر ﷺ خصوص آن افراد باشد.

۲-۴. معرفی اهل بیت و وقت نزول آیه مباهله

دسته دیگر، روایاتی است که خبر می‌دهند: پیامبر ﷺ هنگام نزول آیه مباهله، حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین ﷺ را به نزد خود فراخواندند و آنان را اهل خود معرفی کردند؛ برای نمونه در صحیح مسلم ضمن روایاتی از سعد بن وقاص آمده است: وقتی آیه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...» (آل عمران: ۶۱) نازل شد، رسول خدا ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و گفت: «اللهم هؤلاء اهلی»؛ خدایا اینها اهل من هستند (نیشابوری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۴، باب فضائل الصحابة، ح ۳۲). این قسمت از روایت را حاکم نیشابوری نیز با سندی - که هم خود آن را صحیح دانسته و هم ذهبی، رجال شناس نقاد اهل تسنن صحت آن را

انما نزلت فی و فی اخی [و فی ابنتی] و فی ابنتی و فی تسعة من ولد ابنی الحسین خاصة لیس معنا فیها لاحد شرک» فقالوا کلهم نشهد ان ام سلمة حدثتنا بذلك فسألنا رسول الله ﷺ فحدثنا كما حدثتنا ام سلمة... (جوینی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۸) علی علیه السلام فرمود: ای مردم آیا می‌دانید [پس از آنکه] خدا در کتابش «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» را نازل فرمود، [پیامبر] من و فاطمه و دو پسر من حسن و حسین را جمع کرد و پوششی بر ما افکند و گفت: خدایا اینها اهل بیت من هستند و... پس [از آن] ام سلمه گفت: و من [نیز از اهل بیت شما] ای رسول خدا؟ فرمود: تو به سوی خوبی هستی (یعنی سرانجام کار تو خیر و خوبی است) [ولی آیه] فقط درباره من و برادرم [و دخترم] و دو پسر من و نه نفر از فرزندان پسر من، حسین به خصوص نازل شده است و هیچ کس با ما در این آیه شرکت ندارد. پس همه آنان [اصحاب حاضر در آن مجلس] گفتند: شهادت می‌دهیم که ام سلمه این جریان را برای ما نقل کرد. از رسول خدا ﷺ [این جریان را] پرسیدیم [آن حضرت نیز] همان‌گونه که ام سلمه نقل کرده بود، برای ما بیان فرمود...

نعمانی و صدوق از دانشمندان شیعه نیز این روایت را با اندکی تفاوت لفظی آورده‌اند (نعمانی، ۱۳۱۸، ص ۳۲-۳۵ / صدوق، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۹).

خزاز قمی با سند خویش از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است: «دخلت علی رسول الله ﷺ فی بیت ام سلمة و قد نزلت هذه الآية «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». فقال رسول الله ﷺ: یا علی هذه الآية نزلت فیک و فی سبطی و الائمة من ولدک. فقلت: یا رسول الله و کم الائمة بعدک؟ قال:

پیشین - که اهل بیت آیه به چهار نفر (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) تفسیر شده است - منظور، بیان مصادیق اهل بیت، غیر از رسول خدا ﷺ است؛ یعنی مراد بودن آن حضرت معلوم بوده و مصادیق دیگر غیر از آن حضرت بیان شده است و به عبارت فنی، آن روایات در اختصاص آیه به آن چهار نفر ظهور دارد و این دسته از روایات، در شمول آیه نسبت به رسول خدا ﷺ نص صریح دارند؛ ضمن اینکه به قرینه این نص، از آن ظهور رفع ید می‌شود؛ در هر صورت از این روایات نیز استفاده می‌شود که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اهل بیت پیامبر ﷺ هستند.

۲-۶. تفسیر اهل بیت به دوازده نفر

دسته دیگر، روایاتی است که اهل بیت پیامبر ﷺ را به دوازده نفر تفسیر کرده است که سه نفر از آن دوازده نفر همان افرادی هستند که در روایات پیشین از مصادیق موجود اهل بیت در زمان رسول خدا ﷺ به شمار آمده بودند و در نتیجه، در این دسته از روایات نه نفر دیگر از خویشان پیامبر ﷺ که بعد از رسول خدا ﷺ به دنیا آمده‌اند نیز از مصادیق اهل بیت به شمار آمده و مفاد مجموع این دسته از روایات و دسته‌های پیشین، تفسیر «اهل بیت» در آیه تطهیر به پیامبر خدا ﷺ و سیزده نفر از خویشان آن حضرت است؛ برای نمونه ضمن حدیثی که جَوَینی - یکی از دانشمندان اهل تسنن - درباره مذاکره و گفت‌وگوی امیرمؤمنان علی علیه السلام با اصحاب در مسجد رسول خدا ﷺ در زمان حکومت عثمان نقل کرده است، چنین آمده است:

... ثم قال علی علیه السلام ایها الناس اتعلمون ان الله انزل فی کتابه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». فجمعنی و فاطمة و ابنتی الحسن و الحسین ثم القی علینا کساء و قال «هؤلاء اهل بیتی...». فقالت ام سلمة و انا یا رسول الله؟ فقال: «انت الی خیر،

فاطمه علیها السلام نیز روایات پیشین نص است که از اهل‌بیت آن حضرت می‌باتمد و برخی از روایات دسته‌ اخیر که نزول آیه درباره آن حضرت را ذکر نکرده است، حداکثر ظهور دارد در اینکه ایشان از اهل‌بیت نمی‌باشد و به قرینه آن نص، معلوم می‌شود که این ظهور نسبت به ایشان مراد نیست و در این روایات دسته‌ اخیر، نظر به افرادی از اهل‌بیت بوده است که جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در رهبری امت بوده‌اند و منصب امامت داشته‌اند و در نتیجه، مفاد مجموع روایات این است که منظور از اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه تطهیر و بسیاری از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که ویژگی‌هایی را برای اهل‌بیت بیان کرده‌اند - که همسران و بسیاری از خویشان آن حضرت واجد آن ویژگی‌ها نیستند - خصوص همین سیزده نفر است.

۳. اثبات معنای اصطلاحی برای اهل‌بیت

پس از آنکه با توجه به روایات فراوانی که در کتاب‌های شیعه و سنی به صورت‌های مختلف آمده است، معلوم شد مراد از «اهل‌البیت» در آیه تطهیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چهار نفر از خویشان نزدیک آن حضرت - که در وقت نزول آیه حاضر بوده‌اند و نه نفر از خویشان آن حضرت که پس از نزول آیه به دنیا آمده‌اند - می‌باشد و مفاد مجموع روایات این است که: منظور از اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، در برخی آیات و بسیاری از روایات، سیزده نفر از خویشان آن حضرت است، این سؤال مطرح می‌شود که: وجه اختصاص اهل‌بیت به این سیزده نفر چیست؟ آیا اختصاص اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به این سیزده نفر از باب تخصیص است یا تخصص؟ و به تعبیر روشن‌تر، آیا اهل‌البیت در آیه کریمه و روایات یاد شده به معنای لغوی و عرفی آن است؟ چه اینکه در این صورت اگر روایات معرف اهل‌بیت و مخصوص آن به سیزده نفر نمی‌بود، مطلق خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می‌شد، در

انت یا علی، ثم ابناک الحسن و الحسین، و بعد الحسین، علی ابنه، و بعد علی، محمد ابنه، و بعد محمد، جعفر ابنه، و بعد جعفر، موسی ابنه، و بعد موسی، علی ابنه، و بعد علی، محمد ابنه، و بعد محمد، علی ابنه، و بعد علی، الحسن ابنه، و الحجّة من ولد الحسن، هكذا وجدت اسمیهم مکتوبة علی ساق العرش، فسألت الله تعالی عن ذلک فقال: یا محمد هم الائمة بعدک مطهرون معصومون و أعداؤهم ملعونون» (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۵۵-۱۵۶ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶، ص ۳۳۶): بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ام سلمه وارد شدم، در حالی که این آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» نازل شد. رسول خدا فرمود: ای علی این آیه، درباره تو و دو سبطم و امامان از فرزندان تو نازل شده است. گفتم ای رسول خدا! امامان بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: تو یا علی! سپس پسران حسن و حسین و بعد از حسین، علی پسر او و بعد از علی، محمد پسر او و بعد از محمد، جعفر پسر او و بعد از جعفر، موسی پسر او و بعد از موسی، علی پسر او و بعد از علی، محمد پسر او و بعد از محمد، علی پسر او و بعد از علی، حسن پسر او و حجت فرزند حسن است. نام آنان را این‌چنین، نوشته شده بر ساق عرش یافتیم. از خدای تعالی درباره آن پرسیدم، فرمود: ای محمد! ایشان امامان بعد از تو پاک و معصوم‌اند و دشمنان‌شان ملعون‌اند. از ملاحظه این دسته از روایات در کنار دسته‌های پیشین به دست می‌آید که: روایات پیشین به مصادیق «اهل‌البیت» در زمان نزول نظر دارد و در دسته‌ اخیر، مصادیقی از اهل‌بیت که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده‌اند و بعد از آن حضرت به دنیا آمده‌اند نیز بیان شده است و به تعبیر فنی، روایات پیشین ظهور دارند در اینکه اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص چهار نفر است و شامل غیر آنان نمی‌شود و دسته‌ اخیر نص و صریح است در اینکه نه نفر دیگر را نیز شامل می‌شود. به قرینه این نص، معلوم می‌شود که ظهور آن روایات نسبت به این نه نفری که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده‌اند و پس از آن حضرت به دنیا آمده‌اند، مراد نبوده است و نسبت به حضرت

۲. در بسیاری از روایات معرف اهل‌بیت - که بخشی از آنها در این مقاله آورده شده - دیده می‌شود: در مواردی که پیامبر ﷺ اهل‌بیت خود را معرفی کرده است، برخی از همسران آن حضرت نیز حاضر بوده‌اند و از آن حضرت می‌پرسیده‌اند: آیا من از اهل‌بیت شما نیستم؟ حضرت با تعابیری گوناگون پاسخ منفی می‌داده و اهل‌بیت بودن آنان را نفی می‌کرده‌اند (برای نمونه رک. به: ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۹۲-۴۹۳ / جوینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱، صص ۳۱۲-۳۱۸ / حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، صص ۶۱ و ۱۱۳ / حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۶ / سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، صص ۳۷۶-۳۷۷ / طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، صص ۲۹۸-۲۹۷، ۲۸۴۹۷، ۲۸۴۹۸، ۲۸۵۰۲ / ابن عساکر، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، صص ۲۰۳ و ۲۰۶ و ج ۱۴، صص ۱۴۱ و ۱۴۵). از این قسمت روایات نیز به خوبی فهمیده می‌شود: اهل‌بیت در آیه و روایات یاد شده، به معنای اصطلاحی است؛ زیرا اگر به معنای اصطلاحی نمی‌بود، حضرت همسران خود را نیز از اهل‌بیت خویش به شمار می‌آورد و جایی برای پرسش همسران حاضر باقی نمی‌ماند؛ و نفی اهل‌بیت بودن آنان در این بخش از روایات، صحیح نمی‌بود.

گفته نشود شاید در آیه و روایات یاد شده نیز اهل‌بیت به معنای لغوی و عرفی باشد و حضرت با بیانات خود خواسته باشند آن را به خصوص این سیزده نفر اختصاص دهند و همسران و سایر خویشان خود را از آن خارج کنند؛ زیرا این فرض مستلزم تخصیص اکثری است که مستهجن (ناپسند) است و با فصاحت رسول خدا ﷺ سازگار نمی‌باشد؛ بنابراین با توجه به آیه و روایات یاد شده، معلوم می‌شود: کلمه «اهل‌البیت» و «اهل‌بیت پیامبر» نیز مانند الفاظ «صلوة»، «زکوة» و «حج» علاوه بر معنای لغوی و عرفی، معنای اصطلاحی نبوی نیز دارند؛ چه اینکه در برخی آیات و بسیاری از روایات نبوی اکرم ﷺ به معنای اصطلاحی است.

حالی که این روایات آن را به سیزده نفر از خویشان آن حضرت تخصیص داده است؛ و یا اهل‌بیت در این موارد به معنای اصطلاحی (شایستگان بیت نبوت) است که مصادیق آن، خصوص افرادی است که از جهت علمی و عملی، شایسته بیت نبوت باشند و آنان را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؟ در این صورت طبق معرفی پیامبر ﷺ در این روایات، آنان خصوص همین سیزده نفر هستند و اهل‌بیت به این معنا، فرد دیگری از همسران و سایر خویشان آن حضرت را شامل نمی‌شود تا به تخصیص نیاز باشد و در نتیجه، اختصاص اهل‌بیت به این سیزده نفر از باب تخصص است.

با توجه به نکات زیر، روشن می‌شود اهل‌بیت در این آیه و روایات به معنای اصطلاحی است و اختصاص آن به سیزده نفر، از باب تخصص است نه تخصیص:

۱. مصادیق اهل‌بیت به معنای لغوی و عرفی (ساکنان خانه، همسران، فرزندان و مطلق خویشان) برای همگان آشکار است و به معرفی نیاز ندارد؛ ولی مصادیق اهل‌بیت به معنای اصطلاحی (شایستگان بیت نبوت) را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؛ زیرا تنها اوست که می‌داند چه کسانی از نظر علمی و عملی شایسته بیت نبوت‌اند. با توجه به این نکته، از اینکه پیامبر ﷺ در روایات یاد شده، به معرفی اهل‌بیت خود و مصادیق اهل‌بیت به کار رفته در آیه اقدام نموده است و آن را فراوان تکرار کرده است، معلوم می‌شود: اهل‌بیت در این آیه و روایات به معنای اصطلاحی است؛ زیرا اگر به معنای لغوی و عرفی بود، به معرفی آن حضرت نیازی نبود و معرفی آن حضرت، آن هم در موارد بسیار، کاری بیهوده و دور از حکمت آن بزرگوار بود.

نتیجه

از آنچه در این مقاله در تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه برخی کلمات و واژه‌های اهل‌بیت در زبان عربی و دسته‌های مختلف روایات معرف اهل‌بیت پیامبر ﷺ بیان شد، نتیجه می‌گیریم: کلمه «اهل‌البيت» یا «اهل‌بيت النبی» و مشابه آن در زبان عربی نظیر کلمه «صلاة»، «زکوة» و «حج»، افزون بر معنای لغوی و عرفی، معنای اصطلاحی شرعی نیز دارد. معنای اصطلاحی آن شایستگان بیت نبوت و مصادیق آن خصوص افرادی است که از جهت کمال علمی و عملی نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا ﷺ باشند، از جهت علمی به همه علمی که از جانب خدا به آن حضرت وحی شده، آگاه باشند و از جهت عملی مانند آن حضرت از هر گناه و خطایی مصون باشند؛ و چنین افرادی را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؛ چه اینکه در روایات فراوانی با عبارات و مضامین مختلف، اهل‌بیت آن حضرت چهار نفر معرفی شده‌اند و در پاره‌ای از روایات نه نفر دیگر به آنان افزوده شده و در مجموع، اهل‌بیت پیامبر ﷺ طبق معرفی روایات آن حضرت، سیزده نفر می‌باشند و دیدگاه اهل‌تسنن در تعمیم اهل‌بیت به همسران و همه خویشان پیامبر ﷺ با روایات فراوانی که در کتاب‌های خودشان نقل کرده‌اند، مخالف است.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمّد کاظم؛ کفایة الاصول؛ قم: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۲۶ ق.
۲. آمدی، علی بن ابی‌علی؛ الاحکام فی اصول الاحکام؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمان بن محمّد؛ تفسیر القرآن العظیم؛ مکه المکرمه: مکتبه نزار المصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
۴. ابن ابی‌شیبّه، عبدالله بن محمّد؛ المصنّف؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹.
۵. ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم؛ منهاج السنّه النبویه؛ [بی‌جا]، [بی‌تا]، ۱۴۰۶ ق.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمّد؛ المسند للامام احمد بن محمّد بن حنبل؛ با تحقیق احمد محمّد شاکر؛ بیروت: مکتبه التراث الاسلامیه، [بی‌تا].
۷. _____؛ مسند الامام احمد بن حنبل؛ بیروت: دارصادر، [بی‌تا].
۸. ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم؛ مسند اسحاق بن راهویه؛ المدینه المنوره: مکتبه الایمان، ۱۴۱۰ ق.
۹. ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الاعظم فی اللغة؛ [بی‌جا]، [بی‌تا]، ۱۳۷۷ ق.
۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. ابن قدامة، عبدالله بن احمد؛ المغنی؛ بیروت: عالم الکتب، [بی‌تا].
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ ق.
۱۳. ابن منظور، محمّد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. بحرانی، سید هاشم؛ غایه المرام و حجة الخطام؛ بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی؛ کتاب جمل من انساب الاشراف؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. بیومی مهران، محمّد؛ الامامه و اهل‌البيت؛ بیروت: دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۵ م.
۱۷. بیهقی، احمد بن الحسین؛ السنن الکبری؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی‌تا].
۱۸. ترمذی، محمّد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ [بی‌جا]، دارالفکر، [بی‌تا].
۱۹. جرجانی، علی بن محمّد؛ شرح المواقف؛ قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۳۵ ق.
۲۰. جوینی، ابراهیم بن محمّد؛ فرائد السمطین؛ بیروت: مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ق.
۲۱. حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۲۲. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۲۳. خزاز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الاثر؛ قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خوبی، سید ابوالقاسم؛ محاضرات فی الاصول؛ النجف الاشرف: مطبعة النجف، ۱۳۸۲ ق.
۲۵. راغب، حسین بن محمد؛ معجم مفردات الفاظ القرآن؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. ربانی گلپایگانی، علی؛ «آیه تطهیر و عصمت اهل بیت (علیهم السلام)»؛ اسوه؛ ش ۹۱-۸۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد ۱۳۸۴.
۲۷. ری شهری، محمد؛ اهل البيت فی الكتاب و السنة؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. زینلی، غلامحسین؛ «مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت (علیهم السلام)»؛ میقات حج، ش ۵۱، بهار ۱۳۸۴.
۲۹. سبزواری، محمد باقر؛ ذخیره المعاد؛ [بی جا]، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، [بی تا].
۳۰. سرخسی، شمس‌الدین؛ المبسوط؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمان؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۲۱.
۳۲. صائب، عبدالحمید؛ ابن تیمیة حیاة عقائد؛ قم: مرکز التذیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. صدوق، محمد بن علی؛ کمال‌الدین؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، [بی تا].
۳۴. صفار، محمد بن الحسن؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)؛ قم: منشورات مکتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق.
۳۵. صفی پور، عبدالکریم؛ منتهی الارب؛ [بی جا]، انتشارات کتابخانه سنائی، [بی تا].
۳۶. طباطبائی یزدی، محمد کاظم؛ العروة الوثقی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ المعجم الکبیر؛ [بی جا]، [بی تا]، [بی تا].
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۳۹. طبرسی نوری، سیداسماعیل؛ کفایة الموحدين؛ [بی جا]، انتشارات علمیة اسلامية، [بی تا].
۴۰. طبری، محمد بن جریر؛ تفسیر الطبری المسمى جامع فی تأویل القرآن؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
۴۱. طباطبائی، ابوداود سلیمان بن داود؛ مسند ابی داود الطیالسی؛ هند: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامة، ۱۳۲۱ ق.

۴۲. عاملی، سید جعفر مرتضی؛ اهل البيت فی آیه التطهیر؛ بیروت: المركز الاسلامی للدراسات، ۱۴۲۳ ق.
۴۳. عبد بن حمید؛ المنتخب من مسند عبد بن حمید؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۸ ق.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ منتهی المطلب؛ چاپ قدیم، [بی جا]، [بی تا]، [بی تا].
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ الحصول فی علم اصول الفقه؛ بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ ق.
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العين؛ [بی جا]، مؤسسه دارالنجرة، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ القاموس المحيط؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۴۸. فتوی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قاهره: المطبعة الامیریة، ۱۹۲۸ م.
۴۹. قلی پور، حسن؛ «اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) در قرآن و سنت»؛ معرفت، ش ۱۰۸، آذر ۱۳۸۵.
۵۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین؛ کشف الاسرار و عدة الابرار؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۵۲. نسائی، احمد بن شعیب؛ کتاب السنن الکبری؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۵۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ کتاب الغیبة؛ تهران: دارالخلافه، ۱۳۱۸ ق.
۵۴. نووی، محیی‌الدین بن شرف؛ تهذیب الاسماء اللغات؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، [بی تا].
۵۵. نیشابوری، مسلم؛ صحیح مسلم؛ بیروت: مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. واسطی، احمد؛ اهل البيت (علیهم السلام) فی الكتاب المقدس؛ [بی جا]، مؤلف، ۱۹۹۷ م.
۵۷. هیثمی، احمد بن حجر؛ الصواعق المحرقة؛ القاهرة: مکتبة القاهرة، ۱۳۸۵ ق.